

پاسخ پناهنده گان انقلابی افغانستان به وزیر داخله آلمان

دیروز هنگامیکه پولیس آلمان بخشی از پناهندگان افغانستان را در محاصره قرار داده بودند توماس میزیره Thomas Maiziere وزیر داخله آلمان بر منبر رفت و زبان به اندرز گشوده گفت که "بروید "وطن تان را بسازید!" باشندین این سخنان هر افغانستانی تکان میخورد. وزیر داخله آلمان طرفدار آبادی



افغانستان شده؟ این باید تنها گریه ای باشد که به رضای خداموش میگیرد! به هر حال، آیا بر استی ما آنقدر بیکاره و تنبل هستیم که وطن خود را آباد نمیکنیم و به وطن دیگران می آئیم تا در سایه الطاف و مرحمت آنها بخوریم و لم بدهیم؟ نه! ما مردم با استعداد، سخت کوش و پرکاری هستیم. و اینکه به وطن دیگران آمده ایم و می آئیم به دلیل آنست که "اینها" نمیگذارند مادر وطن

خود زندگی کنیم. چهل سال است که خانه و کاشانه محقرانه مادر آتش جنگ، جنگی که به دست امریکا، روسیه، اروپا و مزدوران منطقه ای شان در گرفته و از یک شکل به شکل دیگر استحاله شده، میسوزند. همین حالا که این سطور نوشته میشوند ممکنست دسته ای از سرباز اشغالگر امریکائی یا آلمانی



دروازه خانه گلی ما را با لگد بشکنانند و وحشیانه وارد خانه ما شده و یا مزدوران افغانستانی شان را مشاوره میدهند که چنان کنند. اگر آقای وزیر از این وضعیت آگاهی نداشته باشند معلوم نیست که در مدت این چهل سال در زیر کدام سنگی در کدام کوه بسر میبرده اند؟ و اگر خبر داشته باشند آنگاه اندرزهای "فاضلانه شان" چیزی جز "فضولی جاهلانه" مسخره های گستاخ نمی باشد.

آلمان یکی از چهار عمده ترین نیروی اشغالگر میباشد که طی 14 سال به بمباردمان و تخریب افغانستان نقش اساسی داشته است. یکی از نمونه های کشتار مردم افغانستان بدست امپریالیزم آلمان اشغالگر آلمان کشتار بیدریغ اهالی چاردره و علی آباد ولایت قندوز در چارم سپتمبر سال 2009 است که در یک شب تقریباً 180 تن افغانستانی را به آتش بست که ده هاتن اطفال زیر سن، زنان و مردان سالخورده ملکی در آن شامل بودند. آلمان مانند امریکا و انگلستان در این 14 سال تا توانسته به غارت ثروت های تاریخی- فرهنگی و بریادی گنجینه های معنوی و ارزشهای ملی افغانستان پرداخته و بطور سیستماتیک نفاق ملی را در افغانستان دامن زده است. آلمان در کنار امریکا و انگلیس و خس دزدهای چینی برای تاراج ثروت های زیرزمینی کشور ما هزاران مهره مرئی و نامرئی اش را در دستگاه دولت مستعمراتی نصب کرده است. اینها برای تامین منافع غارتگرانه جهانی شان "ملاوچلی" را از قبرستان تاریخ بیرون کشیده سازمان داده و بسر نوشت مردم آزادیخواه ماسلط ساختند. این سگان وحشی افغانستان را به جهنم ناآرامی، فساد، آدم ربائی، تجاوز به عنف، سنگسار، قتل و بیعدالتی تبدیل کرده اند. اگر مادر وطن "اینها" می

آنیم به دلیل توحش و بربریت خود اینها و سگان دیوانه ای است که اینها تربیه کرده و بجان ما انداخته اند. بهمین دلیل آخرین امکانات زندگی و الدین پیرمارا بفروش میرسانیم و راه اروپا درپیش میگیریم. آیا اگر "اینها" گورشان را از وطن ماگم و به اشغال نظامی وطن ما پایان بدهند و بگذارند که ما افغانستانی ها خودسرنوشت خود را تعیین کنیم، باز ما در وطن اینها خواهیم آمد؟ نه هرگز! ما هندوکش و بابا، دلارام و بکواه خود را به شانزه لیزه و هایدپارک و شوارتز و والته نمیدهیم. معادله سخنان آقای وزیر زمانی متوازن میگردد که بگوید "ما از وطن شما بیرون میشویم و شما از وطن ما بیرون شوید". اما آقای وزیر این حرف را نمیزند، زیرا بودن مادر وطن اینها بخشی از راه حل بحران مرگ آفرین اقتصادی نظامی است که اینها بر زندگی مردم شان مسلط ساخته اند. و ما بدبختانه جزئی از "حل" هستیم. وقتی مادر وطن "اینها" می آئیم در نخستین گام با تحقیرهای غیر انسانی "اینها" رو برو میشویم. ما وقتی از "اردوگاه های غیر انسانی" اینها خارج میشویم وارد "گدام های انسانی" شان میگردیم، آنجائیکه امکان معاشرت بین انسانها به دلیل اختلاف لسان و فرهنگ مشکل و حتی ناممکن است. شجاعت و شهامت انسانی ما اجازه نمیدهد که بیکار نشسته و نان سوسیال بخوریم و به این دلیل مشکلترین و پست ترین کارها را برای "اینها" انجام میدهم و حتی در همان محیط کار باستمگری ملی اینها رو برو هستیم. اینها تنها به استثمار ما و تولید اضافه ارزش برای شان اکتفا نمیکنند بلکه با هزاران ایما و اشاره با ما انتقال میدهند که ما انسان دست دوم هستیم. بدینسان مادر ملک اینها هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی خرد و خمیر میشویم. خانواده های خود را از دست می دهیم، اطفال ما کاملاً بی سرنوشت میشوند، فرهنگ، زبان و ارزش معنوی افغانستان در نسل بعدی ما نابود میگردند. اما اینها در وطن ما باتوپ و تانک شان رفته اند. اینها از آسمان و زمین بر مردم ما آتش میبارند تا بر آنها تحمیل کنند که بطعم دهن اینها زندگی



نمایند، بگذارید گفتار هورست کهولر رئیس جمهور آلمان با "دوئیچ لاند رادیو" را بیادتان بیاوریم که میگوید مانه برای صلح به افغانستان رفته ایم و نه برای مبارزه با تروریسم و غیره. ما به افغانستان رفته ایم که منافع آلمان را حفظ و حمایت کنیم. [\(برای مطالعه گزارش اینجا کلیک کنید\)](#). آری برای چنین هدفی است که اینها از مردم ما میطلبند که آزادی خواهی و سلحشوری را در بدیل ساسیج و آبجوبه دست فراموشی

بسپارند، روحیه بردگی و مزدور منشی را فراگیرند و آنها را به حساب "متمدن بودن" تلقی کنند. اخلاق برده های مطیع را بیاموزند و به این طریق نشان بدهند که "دموکراسی" و "ترقی" میخواهند. در حمایت از منطقه نفوذ استراتژی یک اینها در رقابت جهانی بر آسیای جنوبی و تلاش شان برای بی ثبات سازی جمهوریتهای اتحاد شوروی سابق در آسیای وسطی علیه برادرشان آستین خصومت بالا بزنند و کشورشان را بسوی تجزیه ببرند. مادر اینها از شما، شمائیکه صدها هزار تن مواد منفجره را از آسمان و زمین بروطن مردم ما ریخته اید میپرسیم که وطن ما را کی ها خراب کردند که اکنون ما باید برویم آنرا باز بسازیم؟

در ادبیات فارسی افسانه ای است که میگوید در شهر کرمان کفن کشی بوده بسیار تنبل. او بعد از آنکه کفن میت را میکشید بی حوصله میشد و جنازه او را همانطور عریان رها میکرد. حتی سنگ لحد را بر جنازه

نمیگذشت و راهش را گرفته میرفت تا به ده می رسیده ، خانه ماتمدار رادق الباب میکرد و میگفت که بدن مرده تان عریان باقیمانده، بروید اورادفن کنید. از آنروز ببعدا این گفته که "خداکفن کش قدیم را



بیامرزد" در ادبیات ما باقیمانده است و اکنون می بینیم که نصیحت آقای توماس مزیره عین نصیحت آن کفن کش تنبل است. ما وطن را ویران ساخته ایم، ثروتهای طبیعی تا نرابه تاراج برده ایم، جوانان تا نرا از فرهنگ و رسوم سلحشوری هزاران ساله این سرزمین بیگانه ساخته و به فعالین انجوتبدیل کرده ایم تا در تاریکی های مرداب دانه بچینند، نفاق ملی را تا حد تجزیه کشور انکشاف

داده ایم و جنایتکارترین عناصر تاریخ این سرزمین را بر شما مسلطه ساخته ایم و... غیره و شما اکنون بروید و اینهارا دوباره آباد کنید!

آقای وزیر!

یکنیم دهه قبل شما مانند زدان دریائی و اردافغانستان شدید. و گفتید "آمده ایم که افغانستان را آزاد آباد کنیم! افغانستان را از نوبسازیم تریاک و مواد مخدر را از بین ببریم و کوچه و خیابان اروپا و امریکارا امن بسازیم. زنان را ازستم مردسالاری رها کنیم، توحش و بربریت طالب و القاعده را برهم بزنیم و.. غیره". و مزورانه نگفتید که ما آمده ایم تا "منافع خود را حفظ کنیم. آمده ایم مردم شمارا بکشیم، عروسی های تان را به ماتم مبدل کنیم، دروازه های خانه های گلی تان را در نیمه شب بشکنانیم و وارد خانه تان شده وزن و دختر جوان تان را برهنه بسازیم و تلاشی کنیم و حتی خروگوتان را بجرم حمل بمب به آتش ببندیم و... غیره شما گفتید نیامده ایم که خانه های شمارا خراب کنیم و سپس خودتان را موعظه نمایم تابشرمید!

آقای وزیر! شما گفتید ما آمده ایم که با "باتروریزم مبارزه کنیم"، اما در عمل تروریزم را گام بگام تقویه کرده و از سبعیت "جهادی" به توحش طالبی و از آنجابه بربریت "داعشی" انکشاف دادید. شما "مشتی از جنایتکاران و قاتلین" "جهادی" مانند سیاف، محقق، محسنی، خلیلی، دوستم و امثالهم را بر سر نوشت خلق مظلوم و آزادیخواه مامسلط ساختید. و فاسدترین حکومت روی زمین را در افغانستان تاسیس کردید. این مفسدین فی الارض تا توانستند کانالهای اقتصادی و امکانات کاری را قبضه کردند. خلق مظلوم افغانستان که از رهبری سالم و مردمی محروم است نتوانست جلو این جنایتکاران رهزن را بگیرند. آنها آزادانه به مانورهای سیاسی و فینانس پرداخته و بادزدی و معامله بر سردارائی های ملی آخرین امکانات زندگی را از مردم ما گرفتند و اکنون که کاردبه استخوان رسیده و خلق ما منقار لاشخواران میهنفروش را بر استخوان شان احساس میکنند مجبورند راه خارج را درپیش بگیرند. و یک بخش خیلی کوچک از دست پولیس رهزن ترکیه و پولیس بی کفایت یونان، کوسه ماهی های مدیترانه و توپ های آبی و گاز اشک آور حکومت های اروپای شرقی زنده میمانند و به آلمان میرسند. تازه بر زمین ننشسته که دولت مزدور کابل توطنه گرانه بر سر نوشت آنها بر سر معامله می نشیند و شما بر منبر پند و اندرز بالا میشوید و به آنها توصیه میکنید که بروید وطن تان را بسازید!

ما این راهم میدانیم که چر آقای وزیر ادا و اطوار دایه غمخوار تر از مادر ر ا برای "آبادی" افغانستان در می آورد. کیست که نمی بیند این اندرز "عالمانه" زمانی صادر میشود که بخشی از مردم آلمان ضد خارجی بودن شانرا اکنون به یک شعار داغ سیاسی تبدیل کرده و حتی برخی دست بقتل اطفال و کودکان پناهنده هامی زنند. سالهای 1940 و ضدیت با "غیر جرمن" با امروز فقط این تفاوت را دارد که "ضد غیر جرمن" فقط قدرت سیاسی را در دست ندارد. این سناریو که از در ماندگی ایدئولوژیک و سیاسی نظام امپریالیستی سرمایه داری منشامیگیرد، پیش از آنکه به وجود خارجی هادر آلمان اشاره کند، در ماندگی و بن بست لا علاج سیاستهای توسعه جویانه و نفوذ طلبانه آلمان را بطور خاص و اتحادیه اروپا را بطور عام نشان میدهد.

هموطنان عزیز!

وقتی حرف بر سر زور گوئی و غارتگری می آید اینها هیچ مرز ملی رانمی شناسند. باموشک و بمب افکن شان از نایجیریا تا یمن، از سوریه و عراق تا لیبی، از افغانستان تا پاکستان به آتش میکشند و ویران میسازند. اما وقتی حرف بر سر پناه دادن به آنهایی می آید که اینها خانه و کاشانه شان را به آتش بسته و ویران کرده یکمرتبه "وطن من" و "وطن شما" به وجود می آید. آنهاز مانی که بقصد کشتن و تغییر رژیم لشکر کشی میکنند مرزی را احترام میگذارند و نه حاکمیت ملی ممالک دیگر را. شما باید مسئله پناهندگی تان را بعنوان یک مسئله سیاسی و ضدیت با تجاوز و اشغالگری مبارزه کنید. زیرا این سیاست امپریالیزم امریکا و متحدین اروپائی شان در افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه و یمن است که شمار آواره ساخته و به اینجا کشانیده است. در هر مملکتی که هستید پناهنده های ممالک دیگر متحد شوید و مسئله تجاوز و اشغالگری امریکا و اروپا را علت اصلی آواره شدن تان علم کنید. زیرا پناهندگی حق هر فردی است که کشورش قربانی تجاوز و اشغال قرار گرفته باشد. ستمگری و غارت امپریالیزم جهانی است و هر انسان نیز حق دارد در هر جای جهان که میخواهد زندگی کند.

پناهنده شدن از دست لاشخواران فاسد و مزدور امپریالیزم حق هر افغانستانی است

امپریالیست ها از افغانستان خارج شوید!

پناهندگان انقلابی افغانستان در اروپا

6 نوامبر 2015